

میل زولا نویسنده، نمایشنامهنویس و روزنامهنگار فرانسوی مهم ترین نماینده مکتب ادبی ناتورالیسم و عامل مهم در گسترش تئاتر ناتورالیستی، همچنین از چهرههای برجسته در آزادی سیاسی فرانسه بود و در تبرئه افسر ارتش فرانسه، آلفرد دریفوس از آتهام خیانت نقشی اساسی داشت که سرتیتر روزنامههای تحت عنوان من محکوم می کنیم نوشت که برای مدتی به تبعید او اتجامید رولا برای نخستین و دومین جایزه نوبل ادبیات به سال ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ نامزد بود.

ُ او در ســـال ۱۸۴۰ در پاریس به دنیــــا آُمد. پدرش فرانســـوا زولا یک مهندس ایتالیایی بود. با همســر فرانســـوک خود،امیلی اوبرت و خانـــواده به اکس آن پرووانس در جنوب فرانسه نقل مکان کردند، زمانی که میل تنهاسه سال داشت. چهار سال بعد در سال ۱۸۴۷ یدر مرد و او و مادرش را با حقوق ناچیز بازنشستگی تنها گذاشت. در سال ۱۸۵۸ آنها به پاریس نقل مکان کردند، جایسی که دوست دوران کودکی امیل، پل سزان نقاش به او پیوست. زولانویسندگی را در سبک عاشقانه آغاز کرد مادر وی برای امیل رشته قانون را درنظر گرفته بود، اما او در امتحاناتش ردشد. قبل از نیایی به موفقیت به عنوان نویسنده، زولا به عنوان کارمند در شــُرکت حمل ُونقلُ کار می کُرد و سیسٌ در بخش فروش برای یک ناشــر. وی همچنین برای تر بخش خورس برای یت نخست روی مسیحین برای روزنامه های سیاسی نفرتش را از ناپلئون سوم که از موقعیتش سوءاستفادهمی کردمخفی نکرد.

ُ زولارابیشُ از هر چیزبامکتُبناتورالیسُمومجم کتابهای بیســت جلدی روگن ماکار می شناس نخستین کتاب از این مجموعه کتاب ثروت روگنها یابه تعبیر دیگر دارایی خانواده روگن است. او در سال یا به تعبیر دیگر دارایی خانواده روگن است. او در سال ۱۸۶۸ طرح کلی این رمان و مجموعه را آماده کردو در بیست جلد کتاب، سیر تحولات مربوط به این خانواده را به رشته تحریر در آورد. این مجموعه از کتابها در اُصل شرح ماجّراها و سُرگذشّت اجتّماعی خانوادهای ُ اســت که در دوران امپراتوری دوم فرانســه زندگی می کردند. نویسنده در این مجموعه و نیز آثار دیگر نود به وضع زندگی کارگران و تسلطُ سُرمایه و بورس ر . ر عربی ر روز بازی در نظام سرمایه داری پرداخته است.

ٔ رولاً در اوایل زندگی با آثار بالزاک نویســنده شهیر فرانســوی و چرخه کتابهای معروف او مشهور به كمدى انسانى كاملا آشنا شده بودو اين شناخت از تمدی استای نامار است دیودو این استخبار بالزاک و آثارش تأثیر عمیقی بر او گذاشت و باعث شد تممیم بگیرد مجموعه شخصی خودش را باعتوان یک چرخه جداگانه تألیف کنسد از آنجایی که این کار زولا را نشسآت گرفته از اقدام بالزاک می دانستند در سال ۱۸۶۹ و طی مقاله ای توضیح داد که به عنوان یک نویسنده طبیعت گرا، تفاوت کار او با بالزاک در چه چیزی است. زولا به شدت به علم و به ویژه علم و راثت و تکامل علاقه مند بود اوبیشتر نوشته های دکتر پروسپر لوکاس، کلود برنارد و چار اسز داروین را می خواند و در قسمتهایی نیز حتی به آنها اشاره می کرد، به عنوان مرجع برای ایسن کار خودش معتقد بسود که مردم ت تحتور اثت و محیط زیست اطر افیان خود . قرار دارند زولا برای اثبات این فرضیه دو فاکتور مهم رانشـــان می.دهد که می تواند اعضای یک خانواده را ر تحت تأثیر مستقیم قرار دهد، در سال ۱۸۷۱ در مقدمه کتاب ثروت روگن ها به خوبی این موضوع را توضیح داد.اندیشه او در توارث از پروسپر لوکاس، دوست ٔ امیل شکل می گیرد که در جوانی توجهش را به داروین و فرضيه وىجلب مى كند

ر " رح " ر ح " ی امیل زولا رمانی دارد به نام رازهای مارسی که این شهر را در آن برجســــته کرده است. لاکانبیر در تمام طولش از بندر تامسير بلزونس، پراز جمعيت وازدحام است كه هر دقيقه به آنهااضافه مى شود، از هر خيابان مردم مانندامواج دريا پايين مي آيند. هر لحظه وزش خُشم در میان مردم می دود و فریادها بلُند می شُود و مانند اموًاج راديويي پخش مي شـوند، درست مثل

رشهای عمیق دریا. همه پنجرهها با تماشاچیان تزیین میشوند، پســرها از خانهها بالا میروند و به ریترین مغازهٔ ها آویزان می شوند این جا مارسی نمامقه پیدا می شود و هر فرد کنجکاوی چشم هایش ر ر ت ر ب ب ت کیب بر ر ت کردر بر میشودنزدیک شود،بالاخرهمتوجه می شودنمایشی مردم راجذب کرده و جمعیت رابه آن جا کشانده است. وسُطُ لاکامبیر روبهروی میدان سلطنتی سکوی عدامی، که از تختههای سرههیندی شده ساخته اُعدامُ راگرفتهاند واز متهم در برابرُ خشــم مُردم دفاع می کنند در جایجای این اثر رد مارسی را می بینیم که در صفحههای رمان می در خشدو داستان را تاانتها همراهی می کند

ممرسیهی تند. ژان کنتروسی در ۷ژوئن ۱۹۳۹ در شهر مارسی به دنیاآمد پس/ژخدمت سربازی و تحصیلاتادیی خود در اکس آن پرووانس لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۹۶۶ بود که شــروع به نوشتن کرد، در همان زمانی که در مجله پروانس عنوان روزنامهنگاری را بر گزید. تا سال ۱۹۷۲ در همین مُجلّه مُشــغول به کار بود و سپس روزنامهنگار مجله سوار شد، پیش از این که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ برای روزنامه بروونسال بنویسد، سی ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۸ بر می روزست پرروستان بود. همچنین او رابط روزنامه لوموند در شهر مارسی بود. از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۸ مسئولیت وقایعنگاری ادبی ر روزنامه لاپرووانس را پذیرفت و نقدهای ادبی فراوانی نوشت.درابتدای سال ۲۰۰۰ اونگارش یک سری رمان

.-----در کتاب راز بلانکارد کنتروســـی شـــهر مارسی نقش بسیار برجسته ای راایفاً می کند. وقایع از جایی شروع می شوند که در ۱۶ دسامبر ۱۸۹۱ خانم رت کی مانیان ثروتمند به طرزی وحشیانه به قتل میرسد. فرزندخواندهاش، مردی مشکوک و غیراجتماعی عررت خوسته س مردی مستخو د و طیر جسمی است که فورا مورد سدو «ظن واقع می شود و خیلی زود شواهد و مدارک بسیاری علیه او یافت می شود و ر ر محکوم، به زندان بااعمال شاقه می شود. بااین وجوداین گره گشایی بسیار ساده به نظر می رسد، به ویژه زمانی ر کیر که کشفمی کنندپیشخدمت قربانی که ظاهرایی آزار است، معشوقه متهم بوده است. زمانی که کمیسر ست مسور مساور است و استبدار راضی ته سیسر و رئیس پلیس اطمینان می یابند که دارسی اوزن بارو تو تحقیقات آنها را زیر نظــر دارد و خواهرزادهاش رائول سینیورهجوان بالستعداد پرووانسی شیفتهانجام این گونه کارهاست. میان دو مرد سرنخهای پیچیده و این گونه کارهاست. میان دو مرد سرنخهای پیچیده و





رابا حرص و ولع به این نقطه برمی گرداند بیشتر از ۴۰ هزار نفرجمع شدهاند که نگاه می کنند و فریاد هو کردنشان در آسمان می پیچد، وقتی ماریوس موفق شده، به پاکردهاند. روی این سکو مردی ایستاده که به چوبه اعدام بسته شده است. دو همراه پیاده نظام، ژاندارمری و تفنگدارانی سوار بر اسب دور سکوی

رهگذری که به دست شبحی گرفتار شده است تبدیل به جسدی پیچیده در یک ملحفه می شود که با ریســمانی دوخته شــده و کنار دیوار شاریته قدیمی پیدا شده است. رائول سَسینیوُره، گزارشّگر پرووانسی وارد این تحقیقات میشود. عمویش اوژن باروتو، رئیس سازمان امنیت ملی می شنود که به صورت گردشی این اتفاقات وحشتناک به دنبال هم می آیند، همان طور که کلمانسو، نخستین پلیس پلیسی به نام رازهای جدید مارسی را آغاز کرد که جلد اولش راز بلاتکار در سال ۲۰۰۲ منتشر شد. این کتاب به قلم ژس لاته ویرایش شده و از جنایت پایان قرن عمل موته الهام گرفته شده است. این رمان جُايزه اُدبي بزرگُ پل فُوالٰ سُسال ٢٠٠٣ را از آن ُخود ﻪﻧﻪ،ﺑﺮﺝ ﻛﻨﺘﺮﻝﻣﺤﻠﻪ،ﺭﺍﺋﻮﻝﺭﺩﭘﺎﻯﺟﻨﺎﻳﺘﻜﺎﺭﻋﺠﻴﺐ، غریبی را که ادعای پیامبری و شفا دادن دارد و دیوانه ست، دنبال می کند و بار دیگر رازی جدید در مارسی

در ما, سـ

. هما تا به می هماند در پی صفحاتی که به دنبال هم میآیند،نگران|شتباهاتقهرمانداستان هستیمودر ی " دار حقایق حیرتآوری بر ما نمایان می شود و ین راز مهارت کنتروسی است. یں رہے رہے سے سے در کتاب شبح خیابان سن ژاک نیز شهر مارسی از اهمیت بسزایی برخور دار است. این داستان در سال ۱۹۰۶ اتفاق می افتد. در پارک شــخصی لامیتیجا، جسدی پیدا میشـــود که متعلق به ۱۰سال پیش بست.چندروز بعدنگهبان پارک پسازدیدن نامههای تهدیداًمیزی ناگهان می میرد. اونوره کاستان، مالک آنجا،ولین کسی است که مورد سو، طن قرار می گیرد اماً خیلُـــی زوداز آن رهایی می یابد رائول سُـــینیوره با کمک عمویش اوژن باروتو که رئیس پلیس است،

از حزب کمونیست فرانسه حمایت کرده روزنامه نگار و سردبیرروزنامه کمونیستمارسیزشد. در سال ۱۹۷۰ نخستین مجموعه شعر خود را

رابطهاش راباحزب کمونیست فرانسه قطع کرد، زهر انوروزی | در آثار ادبی جهان بسیار به شهر مارسی پرداختهاند که نقش اول رمان های نویسندگان پزرگ دنیا را به خود اختصاص داده است. مارسی دومین شهر پرجمعیت کشور فرانسه و کنار در یای مدیترانه قرار دارد.همچنین بزرگترین بند راین در باست. این شهر که دارای موقعیت رئواستر انژیک در مارسسی را ترک کردو در چندین مجله نوشت در سال ۱۹۹۵ از طرف میشل لوبری و پاتریک رینال نشویق شد و سری نوآر مجموع خهاوپس را به چاپ رساند که به موفقیت بی نظیری دست یافت. در ۱۹۹۶ شورمو و در ســـال ۱۹۹۷ رمان دریانوردان گمشده و ر ایران در این در این در این در تبادلات بین المللی است. از اهمیت ویژهای در آثار نویسندگان و شعر ا بر خود دار است. مارسی همان طور که شهر تئاتر، ایرا و کنسر ت است. ناشناخته، راز آلود، پنهان در سایه بر خورد سیدسترسی سی در سید بر خیرین در این گوجههای تنگ باتیه و شاریته قدیمی آنی در کمین تراس های ساده کلیههای بندر گود با پیرم بق در انتهای سد از رو در برابر سنگ های گره قارانس سنماری همچنان ایستاده است. و ح این شهر در آثار نویسندگانی چون امیل زولا بران کلود ابزو فیلیپ کارزوزان کنتروسی به رقعی در می آید نویسندگانی ر ر کر کر کر در در در کرد کرد. مجموعه شعری با نام دور از همه سواحل را به رشته نحریر درآورد. در سال ۱۹۹۸ در باب تجزیه وتحلیل مافیاً، جَلْدُ أَخْرِ سُهُ گانه مارسی خُود را با نام سُولئا به چاپ رساند و در ۱۹۹۹ آفتاب محتضران را نوشت. او که برخی عاشق زادگاه خود ه خیلی زود بر اثر سرطان در ژانویه سال ۲۰٬۰۰ در ۵۴ درخشان این شهرمی سپارند. سالگی جان خودرااز دست داد. شهر مارسی در کتاب دریانوردان گمشده مانند دیگر آثار ژان کلود ایزو دارای

> در تعقیب اطلاعات برای ستون جنایی روزنامه پوتی رقابت طلبانه اى پديدار مى شوند كەديگر نمى توان آنها را تکذیب کرد و پلیس در حاشیدهای شهر در محله مشهور پائیه آنها را دنبال می کند، جایی که مظنون شماره یک تحت هویت نامعلومی بار دیگر پیدایش می شود و روجی که استعداد یک رولتایی و دقت عمل پروونسال،شیفتهاین،ماجرامی شود.اوباشوروهیجان اولین دوست دوران مدرسهاش،ادوارد کاستلن را پیدا می کند و ادوارد درباره وقایع شوم پیش آمده در ملک يدري اش اطلاعات دست اولى به او مى دهد. به خاطر بری بکسری مسائل سیاسی آن دوران، رائول آزادانه اقدام مرر عرب در کتاب خون آشام خیابان پیستل ژان کنتروسی ر ۱۳۰۰ برای ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ بیر بیز شهر مارسی مانند قهرمانی در طول داستان نقش ساســــی را برعهده دارد. این داستان در آوریل ۱۹۰۷ ر طوفانی در بارســـی به وقوع می پیوندد. در شبی طوفانی له پانیه درامی هولناک درحال شکل گیری ا،

به تحقیق و کسب اطلاعات بیشتر می کند. او بازنش، بساز راز بلانكارد،اشتباه پدر ریچارد، راز دكتر دانگلار ی^{ّت} در خُیابان بلو، ژان گنترُوسُی راز جُدیدی ر از دیگر در مارسی برای ما تعریف می کند. او از رابرا دیگر در مارسی برای ما تعریف می کند. او از نویسندگانی است که برای شهر مارسی و متعلقات آن ارزش زیادی قایل بوده تا جایی که گاهی از نگاه مارسی رد کارو این از در به این شهر مانند قهرمان های به مسائل می نگرد و به این شهر مانند قهرمان های داستان هایش جان می بخشد. ژان کلودایزو

ران نبود،یرو ژان کلود ایزو، نویســندهای فرانســوی بود که در ۲۰ ژون ۱۹۴۵ در شیم رمارسی به دنیا آمد. پدرش ایتالیایی بود و در ســال ۱۹۲۸ به مارسی مهاجرت کرده بود. مادرش در محله پانیه مارسی به دنیا آمده ودُ. پدرُ ایزو پیُشــخُدمت بار و مـــادرش که والدینی سپانیایی داشت، خیاط بود. او در مدرسه سر آمد بود وينشتر وقت خودرا نشت ميزيه نوشتن داستان وشعر ... سرف مَی کرد امَا بهُ دلیل وضّع مهَاجِرت شان، اُو را بهُ بک مدرسه فنی فرستادند که در آن مجبور بود کار . با یک ماشین تراش را بیاموزد. ژان کلود ایزو در سال ۱۹۶۳ دریک کتابفروشی کارمی کردودر ۱۹۶۴ برای خدمت سربازی فراخوانده شد: ابتدا در تولن همراه با یکماه گرسنگی و ســُـپس در جیبوتی. اُو آنجایک مامونیم زندانی کشــید و طی ایــن دوران حدود ۱۵ کیلوگرم از وزن خود را از دست داد. او در سال ۱۹۶۶ مدطرفداري كردو در ژوئن ۱۹۶۸ در مارسی نامزدانتخابات قوهمقننه ش

مارسی ژان کلود ایزو، رمان جنایی خشونت آن دوران رابه تصویر می کشد. سولئا، جلد پایانی سه گانه مارسی، روزنامهنگار جنوب فرانسُه درنهایت به پایان رسیده است. اُما به چه قیمتی!این مسأله در گذشته به قیمت جان معشوقش

۔ ۔ ی ی ی که قاتلان ہی,رحمی در تعقیبش بودند، تمام شــده بود. بابت اکنون در کوههای سون پناه گرفته است و کارش را برای دوســـتش، فابیو مونتال که در گذشته پلیس بوده، می فرســـتد. به زودی قتل ها دور فابیو را می گیرند و او اینبار بسیار خشمگین بهدنبال انتقام بی گناهان است. این سه گانه بســـیار بدبینانه تلقی می شود. حس افتادن در اعماق جهنم و به سیاهترین شکل، بدجنسی بشر را نمایان می کند که نتیجهاش خون های منجمدشده و جسدهای ازنفس افتادهاند سهٔ گانه مارسی این نویسنده بزرگ با بازی آلن دلون درنقش فابیومونتال بیش از پیش شهرت یافته است. فیلیپکارز

نقشی بسیار پررنگ است. در یک صبح بارانی در بند مارسی سه دریانورد درحالی که بر اثر مستی عقل از

سرشان پریده، از خواب بلند میشوند. ۵ماه است که

کستی باری آنها در اسکله لنگر انداخته و مالک کشتی که ورشکسته شده، فرار کرده است. کشتی و سه نفر

· محکومند به انتظار بنشینند تا معلوم شود عدالت

. ينده آنهاراچگونه رقم مي زنداين جاست كه بايدزنده

ماند میان دریا و زمین، جایی که موجودات دیگر در

رسیدهاُندماُنده و خاطرات خوشبختی و سادگی اُنهارا که از آسمان به دریا می بارید، به یادشان می آورد. ژان

کلودایزو،شاعر مارسی که این شهر رامانند پرسوناژی جداگانه در تمام رمانهایش بــه نمایش می گذارد، بهویژه در سه گانه نوآر خود،مجموع خهاوپس،شورمو

و سُولنا، مُسـحور سُرنوشت موجودات سرگردان و گهگشتگی آنها شـدهاست و در همین لحظه

واژگون شدن آنها را که از سوی خوشبختی طرد شدهاند، در کاری جبران ناپذیر شرکت می دهد رمان آخر او، آفتاب محتضران به انسان هایی مربوط می شود

كه مانند همين شــخصيتها پشتاساميشان گم

در خهاوپس نیز چندین قتل در شــهر مارســـی به وقوع میپیوندد: ابتدا قتل مانو، ســـپس اوگو، دو

دوست دوران کودکی فابیو مونتال که در گذشته لات

توست دوران بودی هبیروهوس ندار نفسته دی ویی سروپایی بود اما اکنون پلیس شده است فایی پس از پیدا شدن جسد دانشجویی که می شناخت، تصمیم گرفت سرنخی بیابداما مسأله این جا بود که نمی دانست بایدبا چه کسی بجنگد دزدهامظنون

بودند. پلیس از کنار این مسائل بی اعتنا گذر می کرد. مونتال بهقدر کافی مقاومتمی کندتاحقیقتراکشف کندامادر خلال رمان سروکله کابوسهای گذشته او

ندامادر حلال رمان سروند دابوسهای ندسته او کم کم پیدا می شود در این رمان نویسنده بانوشته ای شفاف که خوب می داند چطور حس آفتاب مدیترانه رامنتقل کنند، بــا قلیموی خود پر تــرهای متضاد با شهر مارسی، زادگاهش می کشد سرزمین استقبال،

سرزمین تبعید، سرزمین زنان و مردان همدل و

همدردو گم گشته در دنیا که فکرو ذکرشان را پول

پر کرده ومرگراناچیزمیانگارنداین کتاب که جایزه

فستیوال سن نازر در سال ۱۹۹۶ رااز آن خود کرده، نخستین رمان از سه گانه ژان کلودایزو به شمار می رود.

در رمان شورمونیز شهر مارسی به نوعی چارچوب رمان را شکل می دهد. فلیومونتال از نیروی پلیس استعفامی دهد و دوستش لولانیز او را ترک می کند.

تنها و بیکار در کلبه مارسی خود با چشم اندازی رو به دریا شاهد گذشتن روزهایی خوش است که گلو،

دختر عموی زیبای او گریان از راه میرسد و می گوید پسرش گیتو ناپدیدشده است.به زودی جسم بی جان

بسر کراکنار جسدمور خی الجزایری، پناهنده فرانسه

پیداُمی کنند گیتووار دداستانی معما گونه شده است. چه کسی می توانست آن قدر نفرتانگیز این پسر را

بکشد. مونتال دُر جســتوجُوی قاتل به محلههای شمال شهر مارسی باز می گردد. در اوج بیکاری واعتیاد

و نژادپرستی دنبال کسکی می گردد که از این فساد فراگیر حاضر در همهجاکه از ترس وحمام خون تغذیه می کند، نفع ببرد شــورمو، دومین رمان از سه گانه

سر بدامی کنند گیتوواردد

فیلیپ کارز کـه در ۶ آوریــل ۱۹۵۶ در محله محبوب پانیه شهر مارســی به دنیا آمده، نویسنده، فیلمنامخویس و طراح فرانســوی اســـت. او که در ین مرکزی مطبوعات وقایع نگار بود، کارگردان سریالهای تلویزیونی و فیلمهای تخیلی و مستندنیز است. کارز تحَصَیالات دوران مدرسه را در سن ژوزفُ در مدرس کاتولیکی که در محله میدان کاســـتلان قرار گرفت تلان قرار گرفَته، دنبال کرد. در کنار کارهای سینماییاش تصمیم گرفت وارد دنیای ادبیات شــود و از ادبیات کودک و نوُجوان شُروع کردو ســپس ژانر پُلیسی را بر گُزید اوُ از تجارب شخصیاش برای نوشتن رمان هایش الهام گرفت اینجنین بود که در کتابهایش قصههای کوتاه و کاریکاتورهایی از شهر مارسی را به زیبایی حکایت می کنداز حقایقی که در سال های ۹۰ در مارسی اتفاق ی را را به این به ا منابع در همه می آمیز داز ۱۶ رمان بلنداومی توان به هربار آنها را بُکش، تار خُانه ُوبرویم تاانتهای دلسردی اشاره کرد. در رمان داستان عاشقانه زیبااهمیت شهر مارسی به وضوح دیده می شود. زنی گروتمند، نوازند جاز، یک قوطی ماست، چاقوی ضامن دار، یک بیمار روانی حسود، چهار بســــته آرد، دانسینگ قدیمی ها، روسی کلت متعلق به سال ۱۹۱۱، یک کامیون فریزرمانند در شکل گیری این رمان جنایی نقش اُساسی دارند و نمایش تاکسیهای مارسی جای ویژهای را در داستان به خود اختصاص می دهد در رمان دیگری از فیلیپ کارز،مجلس رقص کاگل نیز شهر مارسی بیش از پیش حُرِفُ زَدن پرطُمطراقُ و همرًاهُ باُ چاپلوســــى را داردو همواره او را درحال جویدن آدامس و با کفشهایی با رر رر در حل جریدن مسلوبه فعض معایی به لژ ۳۰سانتی می بینیم که هنگام راه رفتن به راحتی تعادل خود را روی آنها حفظ می کند. او در اعماق شهر ہے پروخُ و اُفْسُــرداش، رؤیای این را در سر دارد که سُتاره موسیقی شود مانند آلوینا استوارت یاسلن دیون، اما لئو گرداننده فقیر دانسیننگ زودیاک، او را رای کار نزد خود مناسب مے پیند بنابراین فلیکس ؠڹؗڽؗڔڹڛؙۘڿۮٳٮڂۅۮڔٳؠٳڂڡٙۅڨؽڹٳؗڿؽڒؠڡڿڹڴ مے آور د دختر بچہ ہرای سیدن و تحقق بخشیدن به ی راز ؤ پاهایش به این خواسته او تن می دهد. چندی بعد رکه حامله اســـت از کلوب فیلمی که آلبانیایی ها در بلُژیک می گرفتند تا کمپ کولی های اسسپانیایی درُ بندر بوک گذر می کند. این گشست و گذار به کابوس می انجامــد، به ویژه با لئـــوی بـــزرگ و نمایندهاش ــون که در قطار او را بــه داُم می اندازد. تأثیر شهر مارسی در رمانهای کارز به روشنی پیداست و بی شُک این مارسی است که شکل رمان را تغییر داده وباکوچههاو خیابان هاوچشم انداز های زیبایش به آن

استاددانشگاه،دانشجویدکترادررشتهزبان